



حواشی دانش آموز بودن بعد از پاندمی کرونا هنوز ادامه دارد

اشتیاق به تعامل همراه با سردرگمی نوجوانی

الهام اسماعیلی
نویسنده



به مراتب سخت‌تر از قبل شده است. با وجود اینکه دو سالی از اتمام کلاس‌های مجازی و حضوری شدن مدارس می‌گذرد، اما هنوز حواشی آن گریبان دانش‌آموزان و معلمان را رها نکرده است.

در صحبت با بعضی از معلمان این‌طور فهمیدم که فقط ۵ دقیقه درس می‌دهند. بیشتر وقت کلاس را به تفهیم مطلب و گاه رفع کدورت پیش‌آمده بین دانش‌آموزان می‌گذرانند، بازی طراحی می‌کنند و فضا کلاس را شاداب و مفرح می‌کنند تا دانش‌آموز کمتر احساس کلافگی و خستگی کند، این روزگار مدرسه رفتن دانش‌آموزان بعد از کروناست، که با قبل از آن متفاوت است. از کمتر شدن زمان حضور در مدرسه تا شروعی دیرتر از سابق برای دبستانی‌ها - ساعت حضور در دبستان از ۸:۳۰ تا ۱۲:۳۰ است که سابقاً ۷:۳۰ تا ۱۳ بود - متوجه می‌شویم که آموزش و پرورش‌ها هم متوجه این تغییر خلق و خو و نیازهای کودک و نوجوان بعد از پاندمی کرونا شده‌اند و ممکن است قوانین جدید شروع و پایان مدرسه را بر اساس همان اتخاذ کرده باشند.

در مورد دانش‌آموزان نوجوان متوسطه دوم که در دوران بلوغ به سرمی‌برند و در اوج هیجان خواهی و لذت‌اند اما فکر و تصمیم‌گیری گرفته نشده و با آگاهی از احوال چندتایی از آنها می‌گویم که در حال سروکله زدن با درس‌ها و معلم‌ها و پیدا کردن علاقه‌شان هستند تا بتوانند براساس آن انتخاب رشته داشته باشند.

دانش‌آموزان کتابخانه برای شروع مدرسه خیلی شور و شوق داشتند. این‌را از فراموش کردن ما در کتابخانه از دو هفته مانده تا پایان شهریور و پس دادن کتاب‌ها می‌گویم. به نظر این‌روزها بچه‌ها بیشتر از قبل تمایل دارند تا به مدرسه بروند و کمتر از قبل غصه صبح زود بیدار شدن، امتحان و تکالیف را می‌خورند. در کنار همسالان قرار گرفتن و از علایقشان حرف زدن را بیشتر از هر چیزی در دنیا دوست دارند. صحبت کردن از انیمه و کی‌پاپ و کی‌دراما و حتی از سریال ترکیه‌ای که در تابستان چندین فصل از آن را تماشا کردند، زمان زیادی را از آنها می‌گیرد.

البته دانش‌آموزان این‌روزها، کلاس پنجم به بالا را منظرورم است، بیشترشان تلفن همراه یا تبلت شخصی دارند که با سیم‌کارتی اعتباری از رایتل و ایرانسل و همراه اول هم شارژ می‌شود و از طریق شبکه‌های اجتماعی نوجوان‌پسند، در دیسکورت، اسنپ‌چت، تیک‌تاک، لایکی، تلگرام با هم در ارتباط هستند. به لطف سیاستمداران فیلترشکن هم دارند. خانواده‌های حساس به رسانه و ارتباط بچه‌ها، البته برای دبستانی‌ها، از روبیکا، شاد و سروش استفاده



هنوز گمان می‌کنند انتخاب رشته آینده و مسیر زندگی آنها را رقم خواهد زد. در میان بسیاری از توصیه‌ها و مشاوره‌ها سردرگم هستند. یکی از اعضای کتابخانه که با علاقه رشته ریاضی را انتخاب کرده بود تا مهندسی بخواند و سازه‌ها را در این کشور بسازد. در تابستان، بعد از تمام شدن سال یازدهم، تصمیم گرفت درس رشته انسانی را بخواند و در سال دوازدهم به صورت غیرحضوری خود را برای کنکور انسانی آماده کند تا یک روانشناس شود و بتواند روان مردم جامعه را سامان دهد. از ریاضی تا انسانی در یک تابستان.

برائش اتفاق‌هایی که در جامعه می‌افتد و احساس نیاز واقعی یا کاذبی که در نوجوان‌های ما رخ می‌دهد، این سردرگمی و حرکت پاندولی در میان آنها بسیار زیاد شده است، اما کمتر از گذشته فرصت و اجازه این‌را دارند تا به دورن خود بنگرند و تمرکز کنند تا بتوانند خواست قلبی‌شان را بشناسند و براساس آن راهی را انتخاب کنند. مدرسه، معلم و دانش‌آموزان نیز در هر دوره‌ای بریک موجی سوار می‌شوند و با آن به سمت بی‌نهایت می‌روند. اما خبرنداریم که این موج هر چه بلندتر باشد، فرود سهمگین‌تر و نتایج فاجعه‌آمیزتری در بر خواهد داشت.

درس خواندن و دانش‌آموز بودن در شرایط کنونی، با سهل‌المتنع بودنی که به ظاهر می‌رسد، برای خود دانش‌آموزان سخت‌تر شده است. نوجوان دانش‌آموز در اوج ترشح دوپامین برای هر فعالیتی که انجام می‌دهد، در عصر رسانه و بازی، باید خود را ملزم به خواندن دروسی کند که نمی‌داند در کدام آینده به کارش می‌آید یا نه. شاید برای همین است که بیشتر نوجوان‌ها سرخورده، در پی یافتن مهارت‌های مختلف برای آینده‌ای مبهم هستند.

می‌کنند. بسته به اینکه روابط عمومی مدرسه از چه سکوی وطنی استفاده کند، والدین و دانش‌آموزان هم از آن بهره‌مند می‌شوند.

همه این آسمان و ریسمان‌ها را برای این بافتم - شبکه اجتماعی پلی استیشن و بازی‌های موبایلی را جا انداختم - که بگویم، نوجوان‌ها راه‌های ارتباطی زیادی با هم دارند. همه اینها را هم که نداشته باشند، ایمیل روی تبلت یا کامپیوتر شخصی را که دارند. اما هنوز نیاز به در کنار هم قرار گرفتن و دیدار جسمی و حضوری دارند. نیاز دارند تا از اتفاق‌های بامزه در کلاس کلیپ و صوت بسازند و با هم به آن بخندند و هیچ‌یک از آنها جای یک لبخند و کنار هم نشستن و تعامل با یکدیگر را نمی‌گیرد. دانش‌آموزان دوران متوسطه که سال‌های اول دبستان را به مدرسه رفتند و با آمدن کرونا، خانه‌نشین شدند در ابتدا از نرفتن به مدرسه احساس شغف و شادی می‌کردند. کم‌کم که کلاس آنلاین برقرار شد، با لباس راحتی و گاه روی تخت و از زیر پتو در کلاس شرکت می‌کردند. بازگشت به مدرسه با لباس فرم و رعایت آداب درس و مدرسه سخت بود. فکر کنیم به دانش‌آموزان کلاس اول و دومی که آموزش و سوادآموزی را با کلاس آنلاین و بدون رعایت قوانین خاصی شروع کردند. هر زمان که می‌خواستند آب و تغذیه و سرویس بهداشتی به راه بود و در کنار صحبت‌های معلم، با عروسک و ماشین، بازی کوچکی هم می‌کردند. و بعد از دو سال باید با مراسم صبحگاه و ورزش روز خود را آغاز می‌کردند و به سرکلاسی می‌رفتند که تا به حال آن‌را تجربه نکرده بودند. عادت به نشستن و گوش دادن به صحبت‌های معلم را نداشتند. البته که کودک زیر ۹ سال عموماً آستانه نشستن کمی دارد و همواره در کلاس در حال رفت‌وآمد است، اما بعد از پاندمی کرونا، شرایط کلاس داری و تدریس برای معلم‌ها

جدول مشخصات سریال

نام فیلم The Edge of Seventeen
کارگردان Kelly Fremont Craig

امتیازها

IMDB ۱۰/۷.۳
Rotten Tomatoes %۹۴



اعتماد می‌کند، آقا برونر (با بازی فوق‌العاده وودی هارلسون)، می‌تواند او را از این پوسته خودشیفتگی خارج کند و این بیشتر به این دلیل است که آقا برونر (حداقل در ابتدا) او را نادیده می‌گیرد. «ندین» افتضاح است، اما هر چه رفتار او وحشتناک‌تر می‌شود، بیشتر دل‌تان برای او می‌سوزد و این احساس بیشتر به دلیل بازی بی‌نظیر استاینفلد است. او زرد و برقی است که با کفش‌های کتان‌اش به همه جا لگدمی‌زند و با این حال، می‌توانید ببینید که پراز پتانسیل است و می‌تواند آینده‌ای درخشان داشته باشد. حتی اگر نمی‌توانید رفتار او را توجیه کنید، باز هم می‌توانید درخشش‌هایی از فردی که در راه تبدیل شدن به اوست را ببینید. نسل زد در همه جای دنیا شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. نسلی که کاملاً متفاوت فکری می‌کند، از ظاهر بیزار است، در فضای مجازی زندگی می‌کند، ساختارشکن و اطاعت‌ناپذیر است، با کلمات اختصاری مخصوص خود حرف می‌زند یا می‌نویسد، به انتخاب آزادانه سبک زندگی باور دارد، عمل‌گرا است و شجاعانه در پی مطالبات و خواسته‌های بحق خود می‌رود و سلطه‌پذیر نیست. اما یکی از ویژگی‌های این نسل که به عنوان یک معلم در این چند سال شاهد آن بوده‌ام، تفاوت و سلیقه و عقیده و احترام آنها به این تفاوت بوده است؛ ویژگی‌ای که در نسل‌های قبل خیلی کمتر شاهد آن بوده‌ایم. این نوجوانان سرکش و پرشور و هیجان، خیلی چیزها می‌توانند به ما یاد بدهند، اگر از منبر (ما دهه شصتی‌ها/ پنجاهی‌ها) خیلی خوب بودیم) پایین بیاییم!

که برای ایجاد ارتباط با مخاطبان امروزی ضروری است. در «در آستانه هفده سالگی» هیچ کس بی‌عیب و نقص نیست، بخصوص قهرمان فیلم، ندین (هیلی استاینفلد). رفتار نادرست و سوءتفاهم همواره وجود دارد و اغلب موضوع ندین است. طوری که گاهی دل‌تان می‌خواهد شانسه‌ها را بگیرد و محکم تکانش دهید تا به خودش بیاید. اما این مسأله باعث نمی‌شود با او همدلی نکند بلکه او را باورپذیرتر نیز می‌کند. «ندین» بدعق، بی‌حوصله و قضاوت‌کننده، فقط و فقط یک دوست دارد، کریستا (هیلی لو ریچاردسون)، یک دختر نوجوان باهوش و خیلی مهربان که به وضوح از «ندین» متعادل‌تر است. این دوازدهم دوران کودکی، پس از اینکه تصمیم می‌گیرند دوتایی مادر یک گرم‌اپریشم باشند، با هم دوست بوده‌اند. «ندین» همواره از دست مادرش (کی‌راسدویک) و برادرش داریان (بلیک جتر) که یک ورزشکار جذاب و خوش‌چهره است، عصبانی است. اما بیشتر از همه چیز، او از یک غیبت عصبانی است: پدرش، که ندین او را می‌پرستید و خیلی زود درگذشت. ندین هرگز با این سوگ کنار نیامده است و از خشم خود به عنوان یک سپر و سلاح دفاعی در برابر جهان و پنهان‌های همیشه آماده برای حمله به زندگی استفاده می‌کند. کارگردان، از نمایش خودشیفتگی ظاهری و پرخاشگری شخصیت «ندین» خودداری نمی‌کند. ما می‌بینیم که ندین با همکلاسی باهوش و فوق‌العاده‌اش، اروین هیدن ستو که علاقه زیادی به او دارد، چگونه رفتاری سرسختانه دارد، فقط معلمی که ندین به او



نوجوان‌ها راه‌های ارتباطی زیادی با هم دارند. همه اینها را هم که نداشته باشند، ایمیل روی تبلت یا کامپیوتر شخصی را که دارند. اما هنوز نیاز به در کنار هم قرار گرفتن و دیدار جسمی و حضوری دارند.